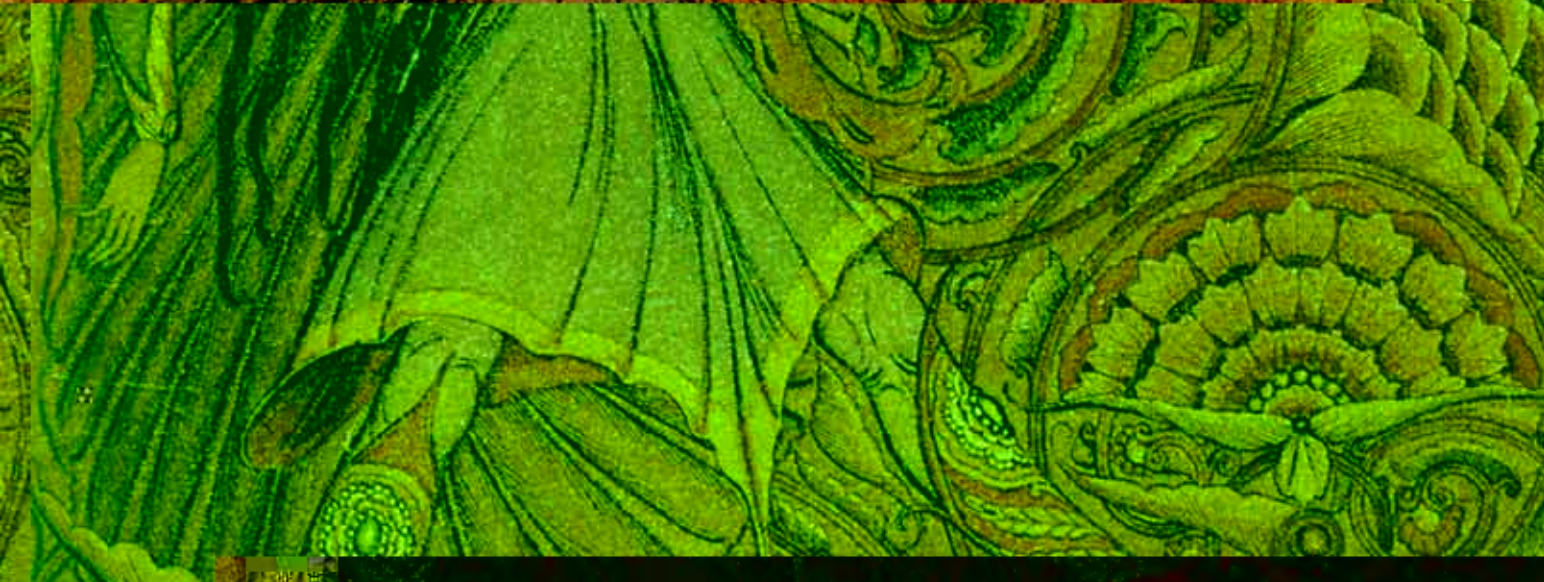




دوهفته‌نامه
اجتماعی فرهنگی

هوس



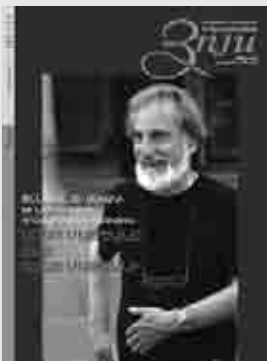
هاکوپ گوجویان

شماره ۱۳۴ / ۱۷ آبان ۱۳۹۱ / قیمت ۱۸۰۰ تومان

سال ششم

دو هفته نامه اجتماعی فرهنگی هووس

شماره ۱۷، ۱۳۴، آبان ۱۳۹۱
سال ششم



آزاد ماتیان به روایت آزاد ماتیان

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول:
لئون آهارونیان

دبیر تحریریه: روبرت صافاریان
شورای نویسندگان:

لیا خاچکیان
گارون سرکیسیان
آرمینه ملیک ایسرائلیان

مدیر هنری: لیا خاچکیان

ویراستار بخش فارسی: نسیم نجفی

وب سایت: کاجیک صافاریان

ورزش: آرمان در استپانیان

اشتراک: کاترین یعقوبی

نشانی: تهران، میدان آرژانتین،
خیابان زاگرس، خیابان سی و پنجم،
پلاک ۱۳، واحد ۵

تلفن: ۸۸۷۷۰۶۵۸
۸۸۷۷۵۶۵۶

نشانی وب سایت:

www.hoos.com

وب سایت فارسی:

<http://farsi.hoos.com>

پست الکترونیکی:

در این شماره

۲	در صفحات ارمنی این شماره
۴	یازدهمین دوره اجلاس سالانه مشترک ایران و ارمنستان در ایروان لئون آهارونیان
۵	دو خبر از ارمنستان
۶	آینده روابط حزب جمهوری ارمنستان و حزب ارمنستان مرفه گایانه آبراهامیان
۷	حیثیت حکومت در گروه افشای کامل واقعه ۲۷ اکتبر سرکیس هاروطونیان
۸	نقاشان ارمنی: هاکوپ گوجویان
۱۱	آزاد ماتیان به روایت آزاد ماتیان
۱۳	شعری از مجموعه گل های کویر آزاد ماتیان
۱۵	وبلاگ گارنی: گنجینه دانستنی ها درباره ارمنه

بخش ارمنی

۲	خطر در کمین ارمنه سوریه
۳	لئون آهارونیان: شکاف بین مجمع نمایندگان و مردم را بزرگ کرده اند
۶	ارمنستان: حیثیت حکومت در گروه افشای کامل واقعه ۲۷ اکتبر سرکیس هاروطونیان

آزاد ماتیان به روایت آزاد ماتیان

به مناسبت هفتادمین سالگرد تولد و انتشار کتاب های نشان جهان و چارنتس کیست؟

۸ کودکی / مدرسه / آبادان / جلفای نو-دانشگاه / پاریس / گل های کویر / ارمنستان / آهنگ بدون
انقطاع / چارنتس / نارکاتسی / نشان جهان / زادورافلی / هاندس / حافظ و خیام / جوچی / کمیته مردمی
موقت (ژ. ژ. ک)

۱۹	کنسرت پری زنگنه در ایروان آرمینه ملیک-ایسرائلیان
۲۲	ورزش آرمان در استپانیان
۲۴	کتابت را در مترو بگذار

گوشه‌هایی از آن چه در صفحات ارمنی این شماره هوئیس آمده است

درباره زندگی خود و نخستین سفرش به ارمنستان سخن گفت. گوشه‌هایی از حرف‌های او را در این جامی خوانید:

- ارامنه ایران نقش بزرگی در موسیقی ایران بازی کرده‌اند. من در دوران دانشجویی استادان ارمنی داشته‌ام و از ابتدای فعالیت جدی در عرصه موسیقی با تعدادی زیادی از نوازندگان ارمنی همکاری کرده‌ام که می‌توانم از میان آن‌ها به پیانیست‌هایی مانند مارسل استپانیان و آندره اوهانیان اشاره کنم. برای من مهم بود که کسی که همراهی‌ام می‌کند هم به موسیقی کلاسیک آشنا باشد و هم به موسیقی فولکلور ایرانی. من سال‌ها با این آدم‌ها همکاری کرده‌ام و کارهایم را با همراهی آن‌ها ضبط کرده‌ام.

- نخستین بار بود به ارمنستان می‌آمدم و با وجود این که پنجاه سال تجربه حضور در صحنه دارم، خیلی هیجان‌زده بودم. قرار بود چند آهنگ ارمنی هم اجرا کنم و نمی‌دانستم مخاطب ارمنی کارم را چگونه ارزیابی خواهد کرد.

- از حضور اعضای انجمن نایب‌نایان ارمنستان در کنسرت بسیار ممنونم. قرار شده است ملاقات‌هایی با آن‌ها داشته باشم و از نزدیک با مشکلات‌شان آشنا شوم.

- این‌ها هم بگویم که موسیقی ارمنی برای من بیگانه نبود. ما در یک منطقه زندگی می‌کنیم و فرهنگ، هنر و موسیقی ما خیلی به هم نزدیک است. سال‌ها پیش من برنامه‌ای داشتم که لالایی‌های ملل مختلف را گردآوری و اجرا کنم و طبیعتاً در میان این‌ها لالایی‌های ارمنی هم بودند. بنابراین نخستین اجرای من به زبان ارمنی یک لالایی بوده است. در سال‌های بعد در گلندل کالیفرنیا کنسرتی داشتم که در آن جا هم بخشی از اپرای آنوش را به همراهی پیانوی مارسل استپانیان اجرا کردم.

- برای تمرین آوازهای ارمنی‌ای که در کنسرت ایروان خواندم سراغ آهنگساز و هبر گروه آواز تیگران سوکیاسیان و همسرش ژنیا سوکیاسیان رفتم. آن‌ها در ادای درست کلمات کمک بزرگی به من کردند و من با یاری آن‌ها دو ترانه از ترانه‌های فولکلور مشهور ارمنی را آماده کردم. بعد وقتی کمی با این موسیقی انس گرفتم، سراغ ترانه‌های دیگری هم رفتم.

- وقتی اپرای آنوش را تمرین می‌کردم، آقای استپانیان نواز اجرای گوهار گاسپاریان را برایم



کنسرت پری زنگنه در ایروان

به ابتکار سفارت جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان و با حمایت شرکت حمل‌ونقل بین‌المللی سَتی، پری زنگنه، خواننده مشهور ایرانی در سالن آرنو باباجانیان ایروان کنسرتی برای حمایت از نایب‌نایان برگزار کرد. پری زنگنه را گروه آواز مهر آوا به رهبری نازلی بخشایش همراهی می‌کرد. نازلی بخشایش نوازنده‌گی پیانو را نیز به عهده داشت. عنوان کنسرت «آن سوی تاریکی» بود. پری زنگنه در مصاحبه‌ای اختصاصی با هوئیس



بزرگداشت آزاد ماتیان

آزاد ماتیان، شاعر و مترجم بنام ارمنی-ایرانی و استاد کرسی زبان و ادبیات ارمنی دانشگاه اصفهان اخیراً دو کتاب منتشر کرده است. نخستین کتاب مجموعه شعری است به نام نشان جهان که شامل اشعار جدید اوست و همین‌طور بازچاپ گزیده‌ای از دفترهای پیشین‌اش. کتاب دیگر رساله‌ای است به نام چارنتس کیست؟ که به تحلیل زندگی و دیدگاه‌های شاعر بزرگ ارمنی یقیشه چارنتس با ارجاع به اشعار خود او و خاطرات همسرانش درباره او می‌پردازد. قرار است گروهی از دوستان آزاد ماتیان در روز ۱ آذر مراسم بزرگداشتی برای او بگیرند. ما هم این شماره هوئیس را به او اختصاص داده‌ایم. به جای مصاحبه مألوف، از آزاد خواستیم درباره زندگی و آثارش بنویسد. تنها تعدادی کلمه به او دادیم و خواستیم درباره هریک به اختصار توضیحاتی بدهد. نتیجه این درخواست نوشته‌ای شد به نام «آزاد ماتیان به روایت آزاد ماتیان». روایت شیرینی از زندگی شاعر و نگاهی که خودش به کارش دارد. در صفحات فارسی ما، می‌توانید ترجمه بخشی از این زندگی‌نامه را بخوانید.

آورد و من با گوش دادن سعی کردم به طرز دقیقی آن را بازآفرینی کنم.

- حادثه مصیبت باری که به ناینایی من انجامید تاثیر بسیار سوئی بر زندگی شخصی و خانوادگی من گذاشت، اما در عین حال باعث شد با تشویق دوستان و علاقه‌مندانم هر چه بیشتر بر هنر اپرا متمرکز شوم.

- شعار من در زندگی این است: همیشه امیدوار بودن و این امیدواری را به دیگران منتقل کردن.

- در حال حاضر سرم خیلی شلوغ است. تدریس می‌کنم. روی کتاب خاطراتم که هم زندگی‌نامه خودم هست و هم شامل معرفی هنرمندان ایرانی می‌شود کار می‌کنم و در عین حال دارم آلبوم جدیدی از ترانه‌های ملی ایرانی را آماده می‌کنم که امیدوارم پیش از عید نوروز منتشر شود.

لئون آهارونیان:

بین مردم و مجمع نمایندگان فاصله انداختند

روز بیست‌وششم آبان انتخابات پانزدهمین دوره مجمع نمایندگان ارمنه تهران و شمال کشور (پادگام‌اوراکان زُقوو Padgamavorakan zhoghov) برگزار می‌شود. در شماره‌های گذشته هویس به سراغ گروهی از نمایندگان دوره چهاردهم و دیگر صاحب‌نظران و فعالان اجتماعی رفتیم و نظرشان را درباره شرایط اجتماعی-سیاسی جامعه ارمنه که انتخابات یادشده خواه نا خواه بر بستر آن انجام می‌گیرد، جويا شدیم. در این شماره مصاحبه‌ای با لئون آهارونیان صاحب امتیاز دو هفته‌نامه هویس کرده‌ایم. آهارونیان در دو دوره نخست مجمع نمایندگان عضو پادگام‌اوراکان بوده و تجربه‌ای بیست‌ساله در این زمینه دارد. گفتنی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انتخاباتی برای دهمین دوره این مجمع برگزار شد و شش سال بعد از آن، در سال ۱۹۸۶ دوره یازدهم این مجمع شکل گرفت، دوره‌ای استثنایی که به علت نارضیونی وضعیت حقوقی تشکیلات درونی ارمنه به جای چهار سال، چهارده سال طول کشید. آهارونیان در این دو دوره عضو مجمع و همزمان عضو و رئیس شورای خلیفه‌گری ارمنه تهران بوده است. او معتقد است:

دهمین دوره پادگام‌اوراکان که بعد از پیروزی انقلاب شکل گرفت به گمانم بهترین دوره آن



بوده است. آدم‌هایی از گروه‌های مختلف در این دوره شرکت می‌کردند، در حالی که پیش‌تر از آن تنها آدم‌های خاصی اجازه می‌یافتند وارد مجمع شوند. اما از دوره یازدهم اوضاع تغییر کرد. ترکیب نمایندگان عوض شد و سطح سواد آن‌ها افت کرد. تعداد زیادی از صنعتکاران به عنوان نماینده انتخاب شدند که از اوضاع سر در نمی‌آوردند. آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری مستقل نداشتند و چشم‌شان به رفیق اعتقادی‌شان بود که به چه رای بدهند. در واقع حزب حاکم یک عده آدم‌های بی‌اطلاع را آورده بود به مجمع تا هر کاری خواست بتواند بکند.

نتیجه این شد که شکاف بین مردم و ارگان‌هایی مانند مجمع نمایندگان افزایش یافت. در دوره یازدهم به ابتکار شادروان هارمیک داوتیان که رئیس مجمع بود یک نظرخواهی ترتیب داده شد که نتایجش نشان می‌داد هفتاد درصد مردم اصلاً نمی‌دانند مجمع نمایندگان (پادگام‌اوراکان) یعنی چه.

نتیجه این وضعیت افت جدی تعداد شرکت کنندگان در انتخابات بعدی بود. در سال ۲۰۰۰، در انتخابات مجمع دوازدهم حدود ۹۰۰۰ نفر در انتخابات شرکت کردند (نزدیک ده درصد جمعیت ارمنه تهران). در انتخابات چهار سال بعد از آن این تعداد به ۴۹۰۰ نفر رسید. این امر به نظر من نتیجه افزایش بی‌اعتمادی مردم به عملکرد ارگان‌هایی بود که زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه ارمنه را اداره می‌کردند.

آهارونیان شرکت مردم در انتخابات را مهم می‌داند

و معتقد است هر چه تعداد نمایندگان که وابسته به یک جریان خاص نیستند بیشتر باشد، مجمع بهتر می‌تواند به وظایف خود عمل کند.

آهارونیان در پاسخ به این سوال که حضور نمایندگان مطبوعات در جلسات مجمع را که از دوره چهاردهم شروع شد چگونه ارزیابی می‌کند، می‌گوید: «بسیار مثبت. تصمیم بسیار خوبی بود. بگذار همه مطبوعات درباره همه چیز بنویسند. باید خوشحال باشیم از این موضوع. اگر اشتباه می‌نویسند می‌گوییم حرف‌تان اشتباه است. بگذارید مردم، بخصوص روشنفکران، بیابند و در تشکیلات اداره جامعه ارمنه مشارکت کنند».

فشار بر ارمنه سوریه افزایش



روز ۲۹ اکتبر مردان مسلح در نزدیکی حلب ده مرد را به گروگان می‌گیرند. هفت تن از این عده ارمنی هستند.

روز ۱ نوامبر مرد ارمنی دیگری در نزدیکی کلیسای سورپ گنورگ حلب کشته شده است. گفته می‌شود که در یک سال و نیمی که درگیرها در سوریه ادامه دارند، حدود چهل نفر از ارمنه این کشور کشته شده‌اند و اینک با نزدیک شدن برخوردهای مسلحانه به حلب، هزاران تن از ارمنه شهر، آن جا را ترک کرده‌اند.

یازدهمین دوره اجلاس سالانه مشترک ایران و ارمنستان در ایروان

لئون آهارونیان



از قبیل انجمن‌های دوستی
۷- همکاری در امور کشاورزی و دامداری
۸- همکاری در رابطه با راه سازی و حمل و نقل و مسائل انرژی خرید سوخت از ایران
پس از معرفی شرکت کنندگان دو طرف به یکدیگر، مذاکرات و تصمیم گیری‌ها بین چهار کمیته تقسیم و برای هر کدام جای معینی تعیین گردید و کار مذاکرات شروع شد.

اینجانب هم که در تمام اجلاس‌ها از طرف اتاق بازرگانی مشترک ایران و ارمنستان جزو شرکت کنندگان کشورمان بوده‌ام، در کمیته بانکی و سرمایه گذاری شرکت نمودم.
از طرف ایران رئیس بانک ملت جناب آقای باقری و مشاور حقوقی بانک آقای سعیدی حضور داشتند. از بانک مرکزی سرکار خانم فریده نادری و از بانک توسعه صادرات آقای هوشنگ گودرزی شرکت داشتند و از طرف ارمنستان از بانک مرکزی آقای آزادیان و مشاور حقوقی سرکار خانم تادویک بودند و همچنین از طرف بانک توسعه ارمنستان آقای آرام و از طرف وزارت اقتصاد هم یک نماینده در جلسه شرکت داشتند. اینجانب که همراه همکارم دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و ارمنستان رضا حیدری در جلسه حاضر بودم، توانستیم ایجاد «مرکز آزاد ایرانیان در ارمنستان» و شرکت «آرمان آگرو اینداستری کمپلکس» - Arman Agro- industry complex در پروتکل بگنجانیم. لازم به توضیح است که این دو شرکت با ابتکار و پیگیری مداوم اتاق بازرگانی مشترک ایران و ارمنستان بر حسب ضرورت ارتقاء تجارت و همکاری کشاورزی، تشکیل شد.

بحث‌ها و مذاکرات ساعت‌ها به طول انجامید و پس از ناهار هم مذاکرات ادامه داشت تا آخر وقت که مصوبات کمیته‌ها روز یک ورقه مخصوص به دو زبان فارسی-ارمنی توسط مترجمان حاضر در کمیته‌ها ترجمه و آماده و تحویل دبیرخانه گردید که پس از اصلاح و یا مطابقت نمودن مفاد آن مصوبات کمیته با دستور کار جلسات میبایستی در روز بعد به امضاء دو وزیر از دو کشور همسایه به امضاء برسد.
مقامات برجسته‌ای از طرف ایران در جلسه

ماه افتتاح شد. طبق روال معمول جلسه اول اختصاص داشت به تدوین برنامه کاری و تعیین کمیته‌های متعدد طبق نیازها و دستور جلسه و نیازهای طرح‌های عمرانی که بین دو کشور میبایستی اجرا گردد. در روز اول همیشه افتتاح و اداره جلسات بر عهده معاونین وزارت خانه مربوطه می‌باشد که جناب آقای مهندس محصولی معاونت محترم وزارت نیرو از طرف وزارت نیرو جمهوری اسلامی ایران و آقای مهندس سیمونیان از طرف وزارت انرژی و ذخائر معدنی جمهوری ارمنستان اداره جلسه را به عهده داشتند. جلسه با سخنان میزبان شروع به کار نمود و دستور جلسه که میبایستی کمیته‌های تحقیق و بررسی بر حسب آن نیازها شروع به کار می‌نمودند، اعلام شد.
دستور جلسه:

- ۱- احداث خط سوم انتقال نیرو بین ایران و ارمنستان و صادرات نیرو از ارمنستان به جمهوری اسلامی ایران
- ۲- ایجاد راه آهن بین دو کشور که در حال حاضر در جنوب ارمنستان و نقاط مرزی ایران و ارمنستان وجود ندارد
- ۳- همکاری در رابطه نیروگاه‌های برق آبی
- ۴- همکاری‌های بانکی
- ۵- کمیته صنعت، معدن، تجارت
- ۶- همکاری در رابطه گردشگری و امور اجتماعی

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشور ارمنستان، بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان روابط تجاری و سیاسی و ساختاری به وجود آمد که بر این اساس هر ساله یک اجلاس مشترک بین دو کشور برگزار می‌شود. در این اجلاس هم عملکرد سال گذشته بررسی می‌شود و هم برای سال‌های آتی برنامه‌های کاری و طرح‌های عمرانی که به نفع دو کشور باشد مورد مذاکره و مطالعه قرار می‌گیرد و پس از تصویب در اجلاس مشترک منجر به عقد قرارداد و ایجاد کارگاه‌های عملیاتی و عمرانی می‌شود. امسال یازدهمین دوره از رشته اجلاس‌های سالیانه بود که به نوبت هر سال در یکی از کشورهای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان تشکیل می‌شود. امسال نوبت میزبانی ارمنستان بود. اجلاس امسال با چند ماه تاخیر صورت گرفت، ولی به فراموشی سپرده نشد. در ابتدای شروع این رشته اجلاس، وزیر اقتصاد و دارایی کشورمان متولی اجلاس از طرف ایران و از طرف ارمنستان هم وزارت خارجه ارمنستان بود. بعد وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران جانشین وزارت اقتصاد و دارایی شد و امسال هم تغییر مهمی رخ داد که جانشین شدن وزارت نیروی کشورمان به جای وزارت خارجه بود.
اجلاس ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه دوم آبان

شرکت داشتند: معاون استاندار آذر بایجان شرقی جناب آقای مهندس خانی، مقامات عالی رتبه وزارت نیروی ایران، نمایندگانی از سازمان توسعه تجارت ایران، گمرک ایران، از وزارت راه و ترابری ایران، از بانک‌های مرکزی و توسعه صادرات و بانک ملت جمهوری اسلامی ایران. همین طور نماینده‌ای از هواپیمایی کشوری ارمنستان، از انجمن دوستی ایران و ارمنستان (جناب آقای نظیف) و وزارت نفت.

سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان جناب آقای رئیسی هم در جلسات حضور داشتند. همین طور مترجم رسمی سفارت آقای ادوارد طهماسبیان که همیشه به طور دقیق و عالی کار ترجمه فارسی به ارمنی و بالعکس انجام می‌داد.

روز چهارشنبه از طرف دو وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان سخنرانی شد. نخستین سخنران جناب آقای آرمن موسسیان بود. ایشان به عنوان میزبان پس از خوش آمدگویی به مهمانان از برقراری رابطه نزدیک بین دو کشور به خصوص در زمینه حمل و نقل، انرژی، تجارت و آغاز ساختن نیروگاه‌های برق و آبی روی رودخانه ارس سخن گفته و اظهار امید کردند که در همین سال جاری عملیات اجرایی آن شروع شود و همچنین به ایجاد خط راه آهن بین دو کشور و اتصال آن به راه آهن گرجستان تا بندر باتومی و از آنجا به راه آهن اروپا، اشاره کردند و خواهان ارتقاء سطح تجارت بین دو کشور شدند. سپس جناب آقای نامجو وزیر محترم آب و برق جمهوری اسلامی ایران سخنرانی در جواب وزیر ارمنستان ایراد نمودند. ایشان اظهار خوشحالی نمودند برای شرکت در یازدهمین اجلاس مشترک به ایروان آمده‌اند و از سخنان آقای موسسیان اظهار رضایت و امتنان نمودند. مسأله خط راه آهن و نیروگاه برق آبی روی رودخانه ارس که اعتبار اجرایی آن نیز به تصویب رسیده و صادرات نفت به کشور ارمنستان را بخشی از همکاری‌های مهم بین دو کشور محسوب نمودند و همچنین همکاری بین دو کشور در رابطه با مسائل پزشکی و بهداشتی را عنوان نمودند و اظهار نمودند که ارمنستان یکی از بهترین همسایه کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. ایشان همچنین اظهار نمودند که هنوز روابط تجاری و فنی و مهندسی و مسائل ذکر شده در فوق تحقق نیافته و امیدوار است که با همکاری طرفین هر چه زودتر طرح‌های عمرانی به ثمر برسند.

روز پنجشنبه چهارم آبان ماه ۱۳۹۱ ساعت ۱۰ صبح قراردادهای بین دو کشور که حاصل کار دو روز چهار کمیته بود به امضاء رسیدند و

مورد تشویق و خوشحالی در حدود یکصد نفر از حضار از دو طرف قرار گرفتند. سپس طبق برنامه جناب وزیر انرژی ایران آقای نامجو از کلیسای قدیمی ارمنستان که در حدود ۱۷۰۰ سال قدمت دارد بازدید فرمودند و در ساعت دو بعد از ظهر تمام هیئت ایرانی مهمان سفارت محترم جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان بودند که در یک رستورانی به سبک معماری ارمنی به نام آرکایازور (دره شاهان) برگزار شد.

واقعاً سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران از هر نظر سنگ تمام برای مدعین گذاشته بودند. در موقع ترک سالن غذاخوری هر یک از مدعین یک بسته کادو حاوی شکلات گراند کندی

ارمنستان و یک طاقه گلیم بافت ایران هدیه دریافت نمودند.

یکی از دستاوردهای مهم این اجلاس این بود که آقای باقری ریاست محترم بانک ملت ایروان در جلسه کمیته اعلام نمودند که بانک ملت آمادگی آن را دارد که برای خریداران مواد خام و یا تولیدات ایرانی یک دوره یوزانس یک ساله را برقرار نماید به شرط یک بهره کم و منصفانه و تعیین اعتباری که با قیمت اجناس خریداری شده مطابقت داشته باشد. این پیشنهاد به عملیاتی شدن مرکز آزاد تجاری ایرانیان در ارمنستان که هدفش رشد و ارتقاء سطح تجارت بین دو کشور است، بسیار کمک خواهد کرد.

ایمنی نیروگاه اتمی متزامور ارمنستان با استانداردهای بین‌المللی مطابقت می‌کند



ضریب ایمنی نیروگاه اتمی ارمنستان مطابق استانداردهای بین‌المللی است. این سخنان گاگیک مارکوسیان، مدیر نیروگاه متزامور ارمنستان در گفت‌وگو با خبرنگاری آرمن پرس این کشور است. او اظهار نگرانی تانر یلدز وزیر نیروی ترکیه را در برنامه‌ای که روز چهارشنبه هفتم نوامبر از تلویزیون haber ترکیه پخش شد، بی‌اساس می‌خواند.

وزیر انرژی ترکیه گفته بود که نیروگاه اتمی ارمنستان بیش از چهار سال است که کار می‌کند و تاکید کرده بود خطری که از جانب نیروگاه‌های قدیمی ما را تهدید می‌کند بیشتر است. مطالعات پیرامون نیروگاه از وقتی جدی شد که مقامات رسمی ایروان اعلام کردند تصمیم گرفته‌اند زمان کار این نیروگاه هسته‌ای را ده سال تمدید و تا سال ۲۰۲۳ از آن استفاده کنند. تانر یلدز همچنین گفته است که سازمان‌های بین‌المللی استانداردهای نیروگاه‌های اتمی خواهان تعطیلی این نیروگاه شده‌اند. مارکوسیان می‌گوید: «هیئت ویژه‌ای از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آزمایش‌های گسترده‌ای به عمل آورده است و نتیجه این بوده که ضریب ایمنی نیروگاه متزامور مثبت است». به گفته رئیس نیروگاه اتمی ارمنستان، هر چهار سال یک بار تعمیرات اساسی، تخلیه سوخت و عملیات ضروری دیگر به طور مرتب انجام می‌شود. در سال ۲۰۱۲ برای تامین ضریب بالای ایمنی نیروگاه توقف ۶۵ روزه کار نیروگاه تمدید شد و به ۸۹ روز رسید. این نیروگاه چهار در صد برق ارمنستان را تولید می‌کند.

آینده روابط حزب جمهوری ارمنستان و حزب ارمنستان مرفه

گایانه آبراهامیان

امکان وجود این گزینه را تأیید کرد و گفت: «در قانون اساسی تنها یک معاون نخست‌وزیر پیش‌بینی شده و این مانع از آن است که وزیران عرصه‌های مختلف یک معاون نخست‌وزیر هماهنگ کننده داشته باشند. این موضوع اکنون در دستور کار قرار دارد و ما آن را بررسی می‌کنیم، اما این که چه زمانی چنین می‌شود هنوز مشخص نیست. بسیاری مطمئن هستند که زاروکیان اصراری به مقام‌های نخست‌وزیری و وزارت ندارد، زیرا متقاعد شده است که در یک نظام توتالیتر هر لحظه ممکن است همه چیز را از دست داد». پرواند بوزویان، تحلیل‌گر سیاسی، می‌گوید: «دستگیری اعضای ارمنستان مرفه پیش از انتخابات مجلس و آغاز به اصطلاح مبارزه با ارتشاء، که آماج اصلی آن وزیران عضو حزب ارمنستان مرفه بودند، پیام روشنی بود به این معنی که اگر مرتکب خطایی شوند پا در هوا خواهند شد. در این صورت، زاروکیان یا باید فرمان‌بردار محض باشد یا چون وجهه بالایی دارد باید سعی کند اوضاع را



تغییر دهد». این تحلیل‌گر اطمینان دارد که «زاروکیان ایوانیشویلی ارمنستان است که می‌تواند قطب جدیدی تشکیل دهد و تغییرات مهمی در کشور ایجاد کند». آندرانیک توانیان، رئیس مرکز پژوهشی پالیسی اکونومیا، با اطمینان می‌گوید زاروکیان از سرکسیان حمایت نخواهد کرد، زیرا اختلافات ارمنستان مرفه و حزب جمهوری در واقع «جدی‌تر و اساسی‌تر از این حرف‌هاست». توانیان به آرمینیا نو می‌گوید: «این اختلافات نه در مورد توزیع مناصب، که در مورد اقتصاد، سیاست و ساختار کشور است. سرژ سرکسیان و تیم زیردست او امروز سیاست ضد فئودالی بلشویک‌ها را پیش می‌برند و زاروکیان به عنوان نماینده بورژوازی، مخالف بنا شدن اقتصاد و توزیع مجدد مالکیت به دست یک الیگارشی است. امروز الیگارشی واقعی در ساختمان شماره ۲۶ خیابان باقرامیان (مقر ریاست جمهوری) نشسته است و سیاست اقتصادی او تنها یک هدف دارد و آن تمرکز منابع مالی و اقتصادی در دست خود است، و این چیزی است که زاروکیان را نگران می‌کند».

آرمن بادالیان، کارشناس سیاسی و امور انتخاباتی، به آرمینیا نو می‌گوید: «تصمیمات مراکز ژئوپولیتیک خارجی (روسیه و غرب) اهمیتی بسیار تعیین کننده برای انتخابات ریاست جمهوری خواهد داشت و علت آن که ۴ ماه مانده به انتخابات هنوز هیچ یک از نیروهای اصلی درباره معرفی نامزد خود سخن نگفته‌اند این است. این موضوع در کشوری معمولی و دموکراتیک، غیرعادی به نظر می‌رسد، اما در این جا آقایان منتظر روشن شدن موضع مراکز ژئوپولیتیک هستند». به اعتقاد این کارشناس در کشورهایی مانند ارمنستان که نظام نیمه‌استبدادی دارند جامعه در تغییر حکومت ناتوان است، و در چنین جایی تصمیمات سیاسی بیرونی تعیین‌کننده خواهد بود. بادالیان می‌گوید: «اوکراین نمونه بارز آن است؛ جایی که تیموشنکو با دریافت کمک غرب انقلاب کرد اما با قطع کمک‌ها یکر است سر از زندان درآورد. انقلاب‌های گرجستان، مولداوی و غیره نیز نتیجه تصمیمات ژئوپولیتیک هستند». سپس ادامه داد: «حزب جمهوری ارمنستان که دارای اکثریت است چندان نگران یاری ارمنستان مرفه نیست، بلکه آشکارا در انتظار روشن شدن مواضع مراکز ژئوپولیتیک است».

ترجمه: گارون سرکسیان

مهم‌ترین زدوبندهای سیاست داخلی و انتخابات ریاست جمهوری ارمنستان، یعنی مسأله موضع‌گیری حزب ارمنستان مرفه، با اظهارات نخست‌وزیر تیگران سرکسیان وارد مرحله‌ای تازه شد. او در گفت‌وگویی کوتاه در مجلس ملی، امکان امضای یک یادداشت درباره حمایت از سرژ سرکسیان را منتفی ندانست، و در عین حال یادآوری کرد که یادداشت سال ۲۰۱۱م. هنوز به قوت خود باقی است.

آقای نخست‌وزیر گفت: «تحولات سیاسی ارمنستان چنان پرشتاب است که نمی‌توانم هیچ چیز را منتفی بدانم. در حال حاضر ما سندی امضاء شده از سوی سه حزب جمهوری ارمنستان، ارمنستان مرفه و کشور قانونمند در دست داریم که بر اساس آن، آن‌ها ملزم به حمایت از رئیس‌جمهور کنونی در انتخابات آینده هستند». هنوز روشن نیست که این صرفاً یک تذکره ضمنی است یا دارای اهداف مشخصی است، اما حزب ارمنستان مرفه اظهار کرده که این یادداشت اعتبار ندارد، زیرا ارمنستان مرفه دیگر عضو ائتلاف حاکم نیست و از آن یادداشت تنها «یادی» بیش باقی نمانده است. زاروکیان، رهبر ارمنستان مرفه، که تقریباً یک ماه است افتابی نمی‌شود هنوز ساکت است. امروزه ارمنستان مرفه تنها وزنه تعادل قدرتمند ضد حکومت کنونی است و به همین علت سکوت معنادار زاروکیان بیش از هر اظهار نظری جای تفسیر دارد. الکساندر اسکندریان، تحلیل‌گر سیاسی و رئیس بنیاد قفقاز، می‌گوید: «مهم‌ترین زدوبندها در ارتباط با حزب ارمنستان مرفه است و این که آیا این حزب نامزد خود را معرفی می‌کند یا از رئیس‌جمهور کنونی حمایت می‌کند. مسأله کش‌وقوس برمی‌دارد و سکوت حاکم یادآور آن است که فشار بر زاروکیان و حزب ارمنستان مرفه او سنگین است. هنوز نمی‌توانم بگویم آیا می‌توان آقای زاروکیان را به زانو درآورد یا نه، زیرا به هنگام انتخابات مجلس چنین چیزی میسر نشد». در خبرهای جاری تأکید می‌شود که درخواست اصلی زاروکیان مسند نخست‌وزیری است، اما گویا رئیس‌جمهور سرژ سرکسیان خیال قربانی کردن نخست‌وزیر تیگران سرکسیان را ندارد. سپس خبرهایی پیرامون گونه‌ای دیگر از سازش متقابل شنیده شد مبنی بر تعیین دو معاون نخست‌وزیر، و اختصاص یک معاون نخست‌وزیر و دو وزیر به حزب ارمنستان مرفه. تیگران سرکسیان، نخست‌وزیر ارمنستان، به طور غیرمستقیم



نقاشان ارمنی:

هاکوپ گوجویان

۱۸۸۳-۱۹۵۹

گوجویان در نخستین تابلوهای مشهورش مانند *کوچه‌ای در تبریز* و *غذای خوری در تبریز*، تصویری از شرق به روایت خود ارائه کرده است، کمی استیلیزه و کمی آمیخته به طنز. در آثار نقاشی و گرافیک دوره‌های بعد، او کوشیده است گذشته‌ی مردم ارمنی را به زمان حال‌شان پیوند دهد. او گرافیک‌هایی را به اوج خود رساند و برای ده‌ها کتاب، تصویرسازی‌هایی منحصر به فرد کرده است که گواهی هستند بر توانایی او در بازگویی متن داستانی به زبان تصویر گواهی.

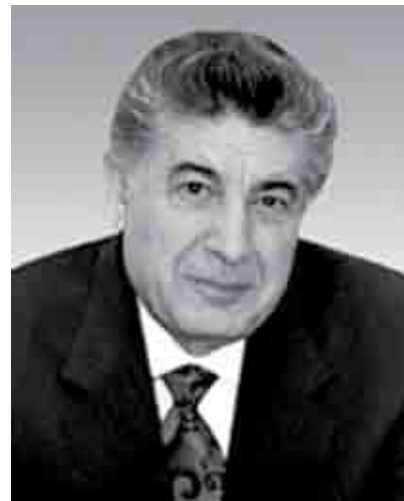
خانواده‌اش زرگر بودند. او فارغ‌التحصیل آکادمی هنر مونیخ بوده و از هنر مینیاتور ارمنی الهام گرفته است.

اثر گرافیکی *سلسونستی داویت* تصویرسازی اسطوره ملی سلسونستی داویت است و دوره‌های مختلف زندگی این شخصیت اسطوره‌ای را نشان می‌دهد. تخیل گوجویان در به تصویر کشیدن داستان این قهرمان مردمی از فهم عمیق روح ادبیات مردمی در او خبر می‌دهد. این کارها استیلیزه و در عین حال پرشور و بیان‌گر هستند.

او تعدادی از قصه‌های فولکلور ارمنی را هم با همین روحیه در کارهای آب‌رنگ خود تصویرسازی کرده است.

رنگی نقره‌ای - خاکستری بر کارهای نقاشی گوجویان سایه انداخته است. او در این نقاشی‌ها ناطری است که در زمان حال ایستاده و طبیعت و شیوه زیست مردم را نظاره می‌کند.

کارن دمیرچیان (عکس بالا)، رهبر حزب کمونیست ارمنستان و وازگن سرکیسیان، نخست وزیر وقت، که در حمله مسلحانه ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ به مجلس ملی ارمنستان جان خود را از دست دادند. ائتلاف سیاسی این دو به احتمال قوی در انتخابات بعدی به قدرت می‌رسید.



این کشتار برنامه‌ریزی شده بالاخره شناسایی خواهند شد یا خیر؟ هر اندازه هم بخواهیم این مسأله را نادیده بگیریم سر جای خود باقی است. مسأله وجود دارد».

نیکول پاشینیان، عضو فراکسیون حزب کنگره ملی در مجلس، به رادیو آزادی چنین گفت: «کنگره ملی ارمنی بر این باور است که بازجویی‌های اولیه این پرونده عمداً مختومه اعلام شده است. مفهوم آن این است که به نظر ما در مورد سازمان دهندگان جنایت بررسی درخوری انجام نشده است». سپس ادامه داد: «واقعه ۲۷ اکتبر مشروعیت حکومت را از میان برد و تا امروز اثرات ۲۷ اکتبر زودوده نشده است، زیرا هنوز حکومتی مشروع در ارمنستان بر سر کار نیامده است».

یادآوری کنیم که لئون تریتروسیان، نخستین رئیس‌جمهور ارمنستان و رهبر حزب کنگره ملی، همراه سران این حزب امروز از پانتئون و آرامگاه شهیدان دیدار و ادای احترام کرد. تریتروسیان به پرسش‌های خبرنگاران پاسخی نداد.

از دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری و نخست‌وزیری ارمنستان به رادیو آزادی اطلاع دادند که در دستور کار امروز، برنامه‌ای برای دیدار از پانتئون و آرامگاه شهیدان وجود ندارد. آرمن آرزومانیان، دبیر مطبوعاتی رئیس‌جمهور، با تأکید گفت سرژ سرکیسیان در طول سال چند بار از پانتئون و آرامگاه شهیدان دیدار کرده به یاد و خاطره کارن دمیرچیان و وازگن سرکیسیان ادای احترام می‌کند.

ترجمه: گارون سرکیسیان





اسم نوشته بودیم. پیش از این که نوبت مان برسید برنامه به هم خورد، اما میخ ارمنستان توی مُخّم کوبیده شد، یا اگر بخوایم شاعرانه تر بگویم، روحم بر صلیب ارمنستان به میخ کشیده شد. ارمنستان برای من شد آستانِ افسانه‌ای دلتنگی و رویا پروری.

بعد پدرم تصمیم گرفت که خانواده‌اش باید بختش را در خوزستان بیازماید. عطر نفت و گاز خانواده ماتیان را به خود فراموشی خواند.

مدرسه

اهواز بودیم که به مدرسه رفتیم. هر چند پیش از آن هم به همه می‌گفتم کلاس ششم‌ام، چون از برادر بزرگم شنیده بودم که این را می‌گفت. برادرم پانزده سال از من بزرگ‌تر بود. مدرسه‌ای که می‌رفتیم دولتی بود، اما هفته‌ای چند ساعت هم به مدرسه ارمنی می‌رفتیم. در آن جا، آقای هاروتونیان — تونی آمادونی — اولین کتاب درسی‌ام را به دستم داد. در وصف احساساتی که این کتاب در من برانگیخت ده‌ها صفحه کاغذ می‌توان سیاه کرد. تا امروز هم جلد صورتی رنگ نخستین کتاب درسی ارمنی‌ام را می‌بینم و بوی جوهر چاپ تا

آزاد ماتیان به روایت آزاد ماتیان

آن زمان به کلی ناآشنای آن را استشمام می‌کنم. من خود را آدمی می‌دانم که همان اندازه که احساساتی است، منطقی هم هست و تا امروز هم نمی‌توانم بفهمم که چرا این احساس را نسبت به کتاب درسی فارسی‌ام نداشتم. حتی وقتی از راجع به آن روزها و از مدرسه صحبت می‌کنم، منظورم همان چند ساعتی است که به مدرسه ارمنی می‌رفتم نه اوقاتی که به طور منظم به مدرسه دولتی می‌رفتم. از اهواز به بندر معشور و آغاچاری و از آن جا به امیدیه و میانکوه رفتیم و گشتیم و گشتیم تا در آبادان رحل اقامت افکنیم. در آبادان مدرسه ارامنه «ادب» را داشتیم. سه سال در «ادب» درس خواندم و دوره ابتدایی را به پایان رساندم. دوره متوسطه را در مدارس دولتی رازی و فرخی در رشته ریاضی درس خواندم.

در جمع تنها سه سال به مدرسه ارمنی رفتیم و همیشه شاگرد اول بودم. در درس ریاضی هم اگر بهترین نبودم، اما حتماً یکی از سه نفر اول بودم، اما چطور شد که علم را رها کردم و به ادبیات روی آوردم، آن قدرها هم روشن نیست، حتی برای خودم. مسلماً هم دلایل درونی در میان بوده‌اند و هم دلایل بیرونی. کلاس ده یا یازده دبیرستان بودم که شعری نوشتم با این مضمون که:

چه زود از زبان اندازه و عدد دلزده شدم
در این دنیا همه چیز اندازه و شکل معین داشت
و من احساس کردم
که مسائلی هستند بسی بغرنج‌تر
از تسخیر فضا.

روح انسان قابل اندازه‌گیری نبود
و من می‌خواستم راهی بگشایم
نه از ستارگان به ستارگان، که قلب‌ها به قلب‌ها

و خود را برای عملی کردن این پروژه جهانی آماده می‌کردم. رویهم‌رفته خواندن شعر و رمان را بیشتر دوست داشتم، هر چند خواننده‌هایم را نصفه نیمه می‌فهمیدم. درس زبان ارمنی ما عبارت بود از خواندن بود و آموختن معنی لغات. معنی‌هایی که گاهی دشوارتر از خود لغت بودند. اما افسون سخن بود که فارغ از معنی و محتوا کار خود را می‌کرد. در پس کلمات و



کودکی

در سال ۱۹۴۲ به دنیا آمدم، به قول مادرم در سال جنگ. در تهران به دنیا آمده‌ام، جایی که سرنوشت، پدرم زادور و مادرم ساپت را از روستای کونارک علیای استان چهارمحال به آن جا کشانده بود. من هشتمین فرزند آن‌ها بودم. از هفت بچه‌ای که مادرم پیش از من به دنیا آورده بود فقط یکی، برادر بزرگم آسکاناس، تصادفاً زنده مانده بود. و از سه فرزندی که بعد از من به دنیا آورد، باز هم فقط یکی، ماسیس زنده ماند. از مرگ جستن خود را نمی‌دانم باید به بخت و تصادف نسبت دهم یا به آن قدیسین مسیحی، یا مسلمان، یا به دعانویسانی که مادرم وقتی مرا حامله بود به آن‌ها رو آورده بود و به توصیه آن‌ها عهد کرده بود موهایم را تا چهارسالگی نتراشد، به اصطلاح قول «غول» داده بود به گورگ مقدس. خوب یاد می‌آید چهارساله بودم که شبی در کلیسای سورپ گورگ خوابیدیم و صبحش سرم را تراشیدند. خوشحال بودم که عمه هورومسیما دیگر نمی‌توانست دختر صدایم کند و من ناچار نبودم هر بار برایش جنسیتیم را اثبات کنم. از تهران چیزهایی به خاطر دارم، اما چهار پنج سالی که در این شهر زندگی کردم برای این که تهران بشود شهر من، کافی نبود. برنامه‌ی نرگاقت، مهاجرت برنامه‌ریزی شده و جمعی ارامنه‌ی ایران به ارمنستان شوروی، سال ۱۹۴۶ شروع شد. ما هم

این قسمت از برنامه جذب تعداد بیشتری از دانش‌آموزان بود. نقش من در بخش اول - بخش جدی برنامه - تمام می‌شد و در بخش دوم خود را اضافی می‌یافتم. بزرگ‌ترها هم به این جشن‌ها می‌آمدند تا جوان‌ها از حد خودشان تجاوز نکنند.

اصفهان - دانشگاه

از دبیرستان که فارغ‌التحصیل شدم، رئیس انجمن زنان ارمنی آبادان، ش گنورگیان، به من پیشنهاد کرد تحصیلاتم را با هزینه

جمالتی که کامل نمی‌فهمیدم، دنیایی افسانه‌ای، دیگر جایی وسوسه‌انگیز، مرا به سوی خود می‌کشید.

آبادان

نه سال یا ده سال در آبادان زندگی کردم، اما آبادانی هم نشدم. شنیده‌ام از ارمنی‌های آبادان آن‌ها که سر از آمریکا در آورده‌اند، برنامه‌های «میهنی» خود را دارند. آبادانی نشدم، اما آبادان به شخصیتم شکل داد. آبادان به دانشگاه آدم می‌آفتوخست در هر گامه‌انداز و محرتومبسته‌های با حقی کتند و لژ هر اب موهبت ناچیزی سرخوش شود، حتی اگر بویی از دور به مشامش می‌خورد. نمی‌توانم بگویم سال‌های زندگی در آبادان سال‌های خوشبختی بودند. اما بودند لحظه‌های خوشبختی. دایی‌ها، هایکاز و هروس استپانیان، اهل فرهنگ و ادب بودند و نقش مهمی در شکل‌گیری زندگی معنوی من بازی کردند. بخصوص دایی هروس، که آرام و بی‌سروصدا، اما پی‌گیر، مرا در کوره‌های دنیای شعر همراهی می‌کرد. در کتاب‌خانه غنی او، من از واقعیت

سخت جدا می‌شدم و زیر نگاه مهربان و آرامش، سعادت‌مندترین پناه‌گاه خود را می‌جستم.

آبادان به جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی من هم شکل داد. حتی در کلاس ششم ابتدایی هم در کلاس مان بچه‌هایی بودند، کمی بزرگ‌تر از ما، یکی شان ورژ، که روی تخته سیاه عکس کبوتر صلح می‌کشیدند که آن روزها نشان حزب توده بود. یکی دیگر هم بود، موکوچ، که نقش صلیب شکسته روی تخته سیاه می‌کشید که نماد حزب سومکا بود. من تمایل به اولی بود، اما در دعوای مُدام آن‌ها شرکت نمی‌کردم. دوره جنبش ملی شدن نفت و کودتای بیست‌وهشت مرداد بود. خانواده ما هم از عوارض این کودتا بی‌نصیب نماند. دوره متوسطه را در مدرسه دولتی درس می‌خواندم، اما ارتباطم با مدرسه ارامنه قطع نبود. وقتی انجمن دانش‌آموزان مدرسه ارامنه تشکیل شد، محصلان ارمنی مدرسه‌های دولتی هم اجازه یافتند در آن عضو شوند. انجمن را معلمان و اعضای انجمن زنان ارمنی هدایت می‌کردند، اما هیأت مدیره هم داشت و من به عنوان رئیس آن انتخاب شدم. جشن‌هایی ترتیب می‌دادیم که در آن‌ها در کنار برنامه‌های آموزشی بخش «رقص آزاد» هم بود. هدف



شعری از مجموعه گل‌های کویر

گل‌های کویر نخستین دفتر شعر آزاد ماتیان است که در سال ۱۹۸۰، در بحبوحه سال‌های پرتلاطم بعد از پیروزی انقلاب منتشر شد. هرچند ماتیان خود به شدت درگیر شور و شرف آن سال‌ها بود و در همان زمان نمایش‌نامه ضدامپریالیستی طنزآمیزی به نام *داماد آمریکایی* نوشت، اما در گل‌های کویر نشانی از انقلاب نمی‌یابید. شاعر این دفتر آدمی خسته و بدبین است که راهی به رستگاری نمی‌یابد. بیشتر شعرهای این دفتر در سال‌های اقامت شاعر در خارج از کشور نوشته شده‌اند. ماتیان گفته است که اصل حرف خود را در این دفتر زده است و آن چه امروز در کتاب جدیدش آمده، شکل پخته‌تر همان حرف‌هاست. نام دفتر اشاره‌ای است به شعر نوشتن به ارمنی در جامعه‌ای فارسی‌زبان، که همان اندازه بی‌معنا می‌نماید که کاشتن گل در کویر. اما می‌توان از این نام برداشت مثبت هم کرد: حتی در شرایط کویری نیز می‌توان گل کاشت، چنان‌که ماتیان کاشته است. شعری که ترجمه‌اش را در این جا می‌خوانید مدخل مجموعه گل‌های کویر است.

بیهوده مرا نجوید
و بیهوده با یکدیگر به مشاجره برنخیزید
من همواره از آخرِ خط سخن می‌گویم
از خستگی.

در همواری‌ای که پلک نمی‌زند
هرگز چیز غافلگیرکننده‌ای نیست

در پس پرده‌ی همه سراب‌ها
اگر رویا بورزید
اگر ببیاید
منم
پیشگوی سبدموی کهن سال
و برای من هیچ «سه راه»ی نیست.

همه راه‌ها به پاهایم پیچیده‌اند
چون گویی غول‌آسا
چون سیاره
چون زمین
چون زمینی راه‌گم‌کرده
که مرا به هیچ کجای خود میخ‌کوب کرده است
به هیچ نقطه‌ی خود.
بیهوده مرا نجوید.

مترجم: روبرت صافاریان

پاریس

بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه به آبادان برگشتم و یک سال به عنوان معلم زبان ارمنی در مدرسه ارمنه کار کردم. در این زمان پدر و مادرم با برادرم ماسیس در اصفهان زندگی می‌کردند. در اصفهان تعطیلات تابستانم را می‌گذراندم و در فکر پیدا کردن کار دیگری بودم که اتفاقی در روزنامه *آلیک* به اطلاعاتی برخورد کردم که در آن گفته می‌شد آقای آندرانیک هوانسیان از اهالی تهران یک بنیاد علمی تأسیس کرده و قصد دارد دو نفر را به پاریس اعزام کند تا نزد پروفیسور فیدی در مؤسسه زبان‌های زنده شرقی تحصیل کنند. تقاضایی فرستادم و در اوج حیرت و شادمانی، جواب مثبت دریافت کردم. این را هم بگویم که بنیاد علمی آقای هوانسیان زیر نظر خلیفه‌گری ارمنه کار می‌کرد و خبر قبولی‌ام را خود اسقف اعظم وقت، شادروان آرداک مانوکیان، به من اعلام کرد.

در سپتامبر سال ۱۹۶۸ به پاریس رسیدم. در اوج جنبش دانشجویی نیرومندی که به یک جنبش انقلابی سراسری تبدیل شد. اندیشه انقلاب، همان‌طور که گفتم، برایم بیگانه نبود. اما تأثیری که تظاهرات در خیابان‌های پاریس روی من می‌گذاشت تأثیر یک جور کارناوال بود. پیش آمده که همه احتیاط‌ها را کنار گذاشتم و در بعضی از راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌ها شرکت کردم. اگر دستگیر می‌شدی و معلوم می‌شد خارجی هستی احتمالاً از کشور اخراجت می‌کردند. اتفاقاتی که آن روزها در خیابان‌های پاریس در جریان بود هیچ ارتباط مستقیمی با من نداشت. اما به عنوان یک پدیده برایم بی‌نهایت جالب بود. اطمینان ندارم تا امروز هم معنی اتفاقی را که افتاد فهمیده باشم، اما شک ندارم حتی همین که شاهد این اتفاقات بودم، مرا هم منقلب کرد. فراموش نکنیم از یک رژیم دیکتاتوری سر از پاریس در آورده بودم، رژیمی که جنبش آزادی‌بخش مردم خودش را در خون خفه کرده بود. اما در این جا، در پاریس، حتی شکست انقلاب هم رنگی دیگر داشت. اعتصاب و تظاهرات سراسری یک‌ماهه، بر پا کردن سنگرها و درگیری‌های خیابانی، چپاول دکان‌ها و ویرانی، همه بدون خون‌ریزی گذشت.

در فرانسه کاری ساده‌تر از ورود به دانشگاه نیست. برای من مشکل اصلی زبان بود و باید در کم‌ترین زمان ممکن بر این مشکل غلبه می‌کردم. یک کلمه فرانسه بلد نبودم. البته در مؤسسه‌ای که در آن تحصیل می‌کردم ما زبان ارمنی می‌خواندیم، اما تدریس به زبان فرانسه انجام می‌شد. نکته دیگر این بود که این برنامه مرا راضی نمی‌کرد. من می‌خواستم با فرهنگ و ادبیات فرانسه آشنا شوم، بخصوص با فرهنگ و ادبیات جدید آن. سرتان را درد نیاورم، نتیجه این شد که زبان فرانسه، زبان انگلیسی را به عنوان زبان خارجی اصلی من و وسیله‌ی تماسم با ادبیات خارجی، از میدان به در کرد.

دوره سه‌ساله انستیتو را در سال ۱۹۷۰ به پایان رساندم و در همان مؤسسه برای دکترایم نام و «چارنتس و ادبیات ارمنستان شوروی در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی» را به عنوان موضوع تز دکترایم انتخاب کردم. در این دوره استاد راهنمای من پروفیسور شارل ددیان بود. سال اول را با موفقیت تمام کردم. در ژوئیه ۱۹۷۲ بعد از چهار سال اقامت در پاریس به ایران برگشتم. به من پیشنهاد کار در دانشگاه اصفهان شد که نیاز به استاد داشت و وعده‌هایی داده شد برای این که بتوانم برگردم و از تز دکترایم دفاع کنم، اما این وعده‌ها هیچ وقت عملی نشد، چون رشته زبان و ادبیات ارمنی همیشه کمبود استاد داشت و پیش آمده بود دوره‌هایی که در آستانه تعطیلی قرار گرفت و من تنها استاد آن بودم. امسال چهل سال شد که من در دانشکده زبان و ادبیات ارمنی اصفهان تدریس می‌کنم.



ارمنی با همه گرایش‌های فکری، دیگر اقلیت‌های قومی کشور و همین‌طور سایت‌های عمومی مانند دایره‌المعارف بریتانیاست، حوزه گسترده‌ای را پوشش می‌دهد.

یکی از مقالات خوبی که در این وبلاگ خواندم مقاله‌ای دو قسمتی بود درباره اقلیت‌های قومی در ارمنستان امروز. بخش‌هایی از این نوشته را در این جا نقل می‌کنیم. نوشته کامل را می‌توانید در این نشانی‌ها بخوانید:

<http://garegin.blogfa.com/post۲۶-.aspx>

<http://www.garegin.blogfa.com/post۲۷-.aspx>

aspx

اقلیت‌های مقیم ارمنستان

ارمنستان با این که در میان ممالک شوروی سابق دارای بیشترین یکپارچگی قومی و دینی بوده ولی نمی‌توان آن را کشوری کاملاً یکپارچه دانست و اساساً کشوری که از لحاظ قومی و دینی یکپارچگی کامل داشته باشد وجود ندارد. هر چه کشوری بزرگ‌تر باشد به همان اندازه هم قومیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون‌تری در آن دیده می‌شود. نمونه بارز آن کشورمان ایران است. در این تحقیق که از سایت‌های گوناگون ترجمه کرده و البته خود نیز در طی یک سری تحقیقات و مطالعات، مطالبی بر آن افزوده‌ام سعی کرده‌ام اقلیت‌های قومی و دینی ساکن در ارمنستان را معرفی کنم.

مقدمه

در جوامع امروز جهانی، دیگر نمی‌توان از کشورهای کاملاً یکپارچه صحبت کرد زیرا شرایط سیاسی، اقتصادی و نیز سهولت در رفت‌وآمد باعث به وجود آمدن جمعیت‌ها و گروه‌های قومی در میان اکثریت مردم هر کشور شده است. کشور ارمنستان هم از این امر مستثنی نیست. اقلیت‌ها در ارمنستان، نشریات فرهنگی ویژه، چندین مدرسه دولتی برای زبان مادری‌شان، روزنامه و برنامه‌های رادیویی خود را دارند. اقلیت‌های قومی حدود ۳٪ جمعیت ارمنستان را تشکیل می‌دهند.

جمعیت‌شناسی اقلیت‌ها

در سال‌های اخیر، جمعیت ارمنستان بین ۲۹۰۰۰۰۰ نفر تا ۳۲۰۰۰۰۰ نفر در نوسان بوده و معمولاً برای جمعیت ارمنستان رقم سه میلیون نفر ذکر می‌شود.

اقلیت‌های ارمنستان را به چند شکل می‌توان طبقه‌بندی کرد:

وبلاگ گارنی، گنجینه دانستنی‌ها درباره ارمنه

مطالب گوناگون ایجاد شده است. مطالب این وبلاگ تنها به منظور افزایش اطلاعات خوانندگان نوشته می‌شوند.

از دیدگاه من نژادپرستی و برتری طلبی به هر شکل و گونه‌ای آن محکوم است و ثروت در جهان باید به طور عادلانه بین همه تقسیم شود.

مطالب این وبلاگ اعم از این که خودم بنویسم یا دیگران، مبتنی بر منابع است. و اگر در نقل قول از دیگران و یا منبع مطلبی، نکته‌ای درست یا اشتباه آورده شده باید آن اشتباه با مدرک و دلیل اثبات شود.

հայրենիքը (این جمله به زبان ارمنی در انتهای مانیفست نویسنده آمده است. معنای آن این است: ارمنی همیشه ارمنی باقی می‌ماند).

طیف مطالب وبلاگ گارنی بسیار متنوع است و از تاریخ و روان‌شناسی تا حقوق و ادبیات را در بر می‌گیرد. برخی مطالب کوتاه و در حد یادداشت‌های تند هستند و برخی دیگر مفصل و دارای پشتوانه تحقیقی استوارتر. تعدادی از مطالب وبلاگ نیز از منابع دیگر (با ذکر منبع) نقل شده‌اند. اما حاصل کار، گنجینه‌ای از نوشته‌هاست در بر دارنده اطلاعات بکر درباره ارمنه. فهرست موضوعی و فهرست مفصل لینک‌های وبلاگ که شامل سایت‌های ایرانیان

اگر به هر دلیل به دنبال به دست آوردن اطلاعاتی درباره تاریخ و فرهنگ گذشته و امروز ارمنستان، ارمنه ایران یا جهان هستید، وبلاگ گارگین فتایی به نام گارنی <http://garegin.blogfa.com> می‌تواند برای شما مفید باشد. نویسنده وبلاگ در همان صفحه اول، خود و اهدافش را چنین معرفی می‌کند:

من گارگین فتایی، وکیل پایه یک دادگستری و از ارمنه ایران هستم.

گارنی، نام عبادتگاهی متعلق به آیین مهر از دوران باستان در شرق ارمنستان است و عکسی را که مشاهده می‌کنید این عبادتگاه را نشان می‌دهد. دنیای کنونی را نمی‌توان دنیای فرهنگ، زبان یا ملت و قوم واحد دانست.

هیچ ملتی بر ملت دیگر برتری ندارد. تنها یکی از اهداف من در این وبلاگ، شناساندن و معرفی فرهنگ ارمنی به عنوان فرهنگ خاص یک قوم است و ملت‌ها و اقوام دیگر نیز دارای فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی خاص خود هستند.

ارمنه ایران ضمن این که فرهنگ خاص خود را دارند به عنوان یک ایرانی هم با سایر ایرانیان علائق، دلبستگی‌ها و وجوه مشترکی دارند.

در اصل این وبلاگ با هدف تحقیق در زمینه‌های گوناگون، تا حد امکان مبتنی بر روش‌های تحقیق و نیز ارائه نظرات و پیشنهادات و به طور کلی ارائه

۱۰۰۰۰	بیلوروس‌ها	د: یزیدی‌ها	۱- از لحاظ قومی، که شامل ۲۳ قوم می‌شود:
۲۰۰	چچن‌ها	جمعیت دقیق اقلیت‌ها در ارمنستان را نمی‌توان تعیین کرد. علت عمده آن فروپاشی حکومت شوروی سابق و آزادی رفت‌وآمد و سهولت دسترسی این افراد به موطن اصلی‌شان است. البته اقلیت‌هایی در ارمنستان وجود دارند که این کشور را موطن اصلی خود می‌دانند.	کولی‌ها، ترک‌ها و آذری‌ها، آشوری‌ها، بالکارها، بیلوروس‌ها، چچن‌ها، دارقین‌ها، گرجی‌ها، آلمانی‌ها، یونانی‌ها، یهودی‌ها، قزاق‌ها، کردها، لیتوانی‌ها، مولداوی‌ها، موردوین‌ها، اوستی‌ها، لهستانی‌ها، رومانیایی‌ها، روس‌ها، تاتارها، اکراینی‌ها، ازبک‌ها.
۳۰۰	دارقین‌ها	بدین ترتیب جمعیت اقلیت‌های مقیم ارمنستان را می‌توان به صورت تقریبی و با تعیین حداقل و حداکثر چنین تخمین زد:	۲- از لحاظ مذهبی:
۶۰۰-۱۳۰۰	گرجی‌ها	جمعیت تقریبی	الف: مسیحیان
۲۸۰	آلمانی‌ها	۳۰۰۰۰-۴۰۰۰۰	۱- کاتولیک‌ها؛ شامل کاتولیک رمی، کاتولیک یونانی و مخیتاریست‌ها
۱۲۰۰-۲۰۰۰	یونانی‌ها	۵۰۰-۱۰۰۰	۲- پروتستان‌ها؛ شامل انجیلی‌ها و پنطیکاستی‌ها
۴۰۰	قزاق‌ها	۵۰-۱۰۰	۳- ارتدکس‌های روس و یونانی
۲۰۰	لیتوانی‌ها	۴۰۰۰-۵۰۰۰	۴- فرقه‌های مستقل شامل شاهدین بهوه (۸) و مورمون‌ها (۹)
۵۰۰	مولداوی‌ها	زیر هزار نفر	ب: مسلمانان
۵۰۰	موردوین‌ها	۸۰۰	۱- سنی‌ها؛ شامل کردها و ترک‌ها
۴۰۰	استی‌ها	۱۰۰۰۰-۱۳۰۰۰	۲- شیعیان؛ شامل ایرانی‌ها و آذری‌ها
۳۰۰	لهستانی‌ها		ج: یهودیان
۶۰۰	رومانیایی‌ها		
۲۰۰-۵۰۰	تاتارها		
۸۰۰۰	اکراینی‌ها		
۳۰۰	ازبک‌ها		

در حال حاضر بزرگ‌ترین اقلیت در ارمنستان، اقلیت یزیدی است. روس‌ها در رده دوم، اکراینی‌ها در رده سوم، و آشوری‌ها در رده چهارم قرار دارند.

مشاوره رایگان
و
۲۰٪ تخفیف

مجموعه درمانی رسا



<p>درمان‌های تخصصی انواع درد های ذیل با شیوه ای نوین:</p> <ul style="list-style-type: none"> - سردرد ها - درد مفاصل - کمر درد ها - درد مفاصل گردن درد ها - آرتروز روماتوئید - درد های مقعد و لکن - فیزیوتراپی تخصصی - درمان اختلالات کف لکن و بی اختیاری ادراری - طب سالمندان ، کنترل درد های ناشی از فشار خون چربی خون - دیابت <p>APS Therapy-Laser Therapy-Manual Therapy-</p> <p>تلفن : ۷۷ ۶۷ ۱۲ ۴۳ - ۷۷ ۶۷ ۱۲ ۴۲</p>	<p>مطب پوست و مو، زیبایی</p> <ul style="list-style-type: none"> - میکرودرم ابرژن - مشاوره درمان آکنه - حذف مو های زائد IPL - از بین بردن لکه های رنگدانه ای مانند پلازما - لایه برداری کامل پوست peeling scrub - تزریق ژل و بوتاکس - برداشتن خال - ماساژ پوست و ماسک های گیاهی <p>تلفن : ۷۷ ۵۰ ۷۰ ۴۲</p>		
<p>فیزیوتراپیست تیرانا باباخانی عضو انجمن بین المللی اختلالات کنترل دفع</p> <p>فیزیوتراپیست نیما جعفرلی عضو انجمن جهانی فیزیوتراپی WCPT</p> <p>دارنده مدرک Dry Needling از NIH آمریکا</p>	<p>دکتر سید مهدی دواجی متخصص درد و جراح</p> <p>ش.ن.پ ۳۳۰۸۹</p>	<p>دکتر محمد جمالی طب سالمندان</p> <p>ش.ن.پ ۱۱۹۶۵۰</p>	<p>دکتر مریم مفتخری کاشان پوست و مو زیبایی</p> <p>ش.ن.پ ۱۲۲۲۲۷</p>

میدان هفت تیر - میدان بهار شیراز - خیابان حسام زاده حجازی - پلاک ۳۲